



علامه طبرسی متوفای 548 ق پیشوای مفسران

محمد باقر پور امینی

علامه بزرگوار امین الاسلام، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از جمله اندیشمندان نادری است که هرچند در دانشهای رایج عصر خویش خبره بود، منزلت او در تفسیر، تمام ابعاد و جوانب علمی‌اش را تحت شعاع قرار داده، وی را به مثابه مفسری سترگ در دنیای دانش و معرفت معرفی کرد. در این نوشتار بر آنیم که به گوشه‌هایی از زندگی هفتاد و نه (یا هشتاد) ساله این مفسر قرآن و پیشوای مفسران بپردازیم.

ولادت

او به سال 468 (یا 469 ق.) [1] دیده به جهان گشود و حسن بن فضل طبرسی پدر آن عزیز، او را «فضل» نامید. [2] اصل و منشأ «فضل بن حسن» طبرسی «تفرش» بوده و به همین سبب به «طبرسی» معروف و مشهور گشته است؛ [3]

هرچند دلیلی بر ولادت یا اقامت او در آن دیار علم خیز در دست نیست. در مقابل، گروهی از شرح حال نویسان، طبرسی را اهل طبرستان (مازندران امروز) دانسته‌اند، [4] لیکن وجود دلایلی روشن بر یکی بودن طبرس و تفرش آن ادعاها را مخدوش می‌سازد؛ [5] که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

بیهقی (معروف به ابن فندق) که از معاصران طبرسی است [6] در بیان شرح حال او می‌گوید «طبرس منزلی است میان قاشان (کاشان) و اصفهان. اصل ایشان از آن بقعت بوده است.» [7]

همچنین یعقوبی [8] و علامه مجلسی، [9] طبرسی را معرب تفرشی و منسوب به تفرش از توابع قم می‌دانسته‌اند.

این ناحیه نخست از توابع قم بوده و امروزه از شهرهای استان مرکزی به شمار می‌رود. این شهر به دلیل نزدیکی‌اش به قم، در آغاز ورود اسلام، مذهب تشیع را پذیرفت. [10]

تحصیل

فضل بن حسن دوران کودکی و تحصیل خود را در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم (ع) گذراند و پس از چند سال حضور در مکتب، و فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرائت قرآن، خود را به منظور تحصیل علوم اسلامی و شرکت در جلسه درس بزرگان دین آماده ساخت. او در فراگیری علمی چون ادبیات عرب، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و کلام فوق‌العاده تلاش کرد، بدان حد که در هر یک از آن رشته‌ها صاحب‌نظر گردید. با وجودی که در مدارس آن عصر، علمی چون حساب، جبر و مقابله رایج نبود و کسی برای فراگیری آن رغبت نمی‌ورزید، او به سوی آن علوم شتافت و از صاحب‌نظران آن فن به شمار می‌آمد. [11]

استاد امین‌الدین طبرسی [12] که نقش مهمی در بارور کردن شخصیت علمی و معنوی او داشتند از این قرارند: ابوعلی طوسی (فرزند شیخ طوسی)، جعفر بن محمد دوریستی، عبدالجبار مقری نیشابوری، امام موفق‌الدین حسین واعظ بکرآبادی جرجانی، سید محمد قصبی جرجانی، عبدالله قشیری، ابوالحسن عبدالله محمد بیهقی، سید مهدی حسینی قاینی، شمس الاسلام حسن بن بابویه قمی رازی، موفق عارف نوقانی و تاج القراء کرمانی. [13]

در عرصه شعر

طبرسی در ایام جوانی اشعار بسیاری سروده است که عموم آنها حاوی مضامین عالی [14] و دلیل صادقی بر آشنایی و خبرگی وی در سرودن شعر است. اثر ذیل در بیان ارادت وی به اهل بیت، یکی از آثار جاودان می‌باشد:

اطیبُ یومی بذکراکمُ

و أسعدُ نومی برؤیاکمُ

لئن غیثم عن مغانیکمُ

فان فؤادی مغناکمُ

فلا بأس ان ریبُ دهری اُتی

بما لا یسرّ رعا یا کمُ

فنصر من الله یا یتیمُ

و فضل من الله یغشاکمُ

و عقد ولائی لکم شاهدُ

بانی فتاکم و مولاکمُ

لکم فی جدودکمُ اسوه

اذا ساءکم عیش دنیاکم

و کم مثلها افرجت عنکمُ

و حط بها من خطایکمُ

کما صقّی التبر فی کوره

کذلکم الله صفاکم [15]

ترجمه:

- روزم را با یاد شما عطرآگین می‌سازم و خوابم را با دیدن شما شیرین و دلچسب می‌کنم.
- اگر چه از منازل خود غایب شده‌اید، ولی دل من منزلگاه شماست.
- باکی نیست اگر حوادث روزگار بر من عارض شود و امت شما را خوشایند نباشد.
- زیرا پیروزی از ناحیه خدا نصیب شما خواهد شد و فضیلتی از جانب او شما را بر خواهد گرفت.
- آنچه از محبت شما در وجدانم جای گرفته شاهد است که من غلام و دوستدار شما هستم.
- پیشینیان شما برایتان اسوه‌اند، هرگاه زندگی دنیا بر شما بد معامله کند.
- چه بسیار از این سختیها که از شما دور می‌شود و به وسیله آن گرفتاریهای شما محو می‌گردد.
- همان طور که طلا در کوره تصفیه می‌شود خدا نیز شما را تصفیه نموده است.

هجرتی پر بار

امین الاسلام طبرسی حدود 54 سال در مشهد مقدس سکونت داشت و سپس بنا بر دعوت بزرگان سبزوار، و با توجه به امکانات بسیاری که در آن شهر موجود بود و زمینه تدریس، تألیف و ترویج دین را برای او فراهم می‌ساخت، در سال 523 ق. راهی آن دیار گردید. سادات آل زبارة - که طبرسی با آنان نسبت فامیلی داشت - میزبان او بودند و از کمک و همکاری با آن عالم وارسته دریغ نمودند. [16]

نخستین اقدام شیخ، پذیرش مسؤولیت «مدرسه دروازه عراق» بود [17] که با سرپرستی و راهنمایی او، مدرسه به حوزه علمیه وسیع و با اهمیتی مبدل گشت غنای فرهنگی و علمی این مکان، سبب جذب محصلان بسیاری از دورافتاده‌ترین نقاط ایران گردید و طلبه‌های جوان به عشق رسیدن به کمال و خدمت به مکتب در آن مدرسه مشغول تحصیل شدند و علوم مختلفی چون فقه و تفسیر را از محضر طبرسی فرا گرفتند. شاگردان دانشمند و بلند آوازه ذیل ثمره تلاش علمی شیخ است: رضی الدین حسن طبرسی (فرزند طبرسی)، قطب الدین راوندی، محمد بن علی بن شهر آشوب، ضیاء الدین فضل‌الله حسینی راوندی، شیخ منتجب‌الدین قمی، شاذان بن جبرئیل قمی، عبدالله بن جعفر دوریستی، سید شرف‌شاه حسینی افسسی نیشابوری و برهان الدین قزوینی همدانی. [18]

آثار سبز

مصنفات و آثار متعددی از امین الاسلام طبرسی به یادگار مانده است که جملگی از فضل و دانش آن عالم کوشا و اندیشمند توانا حکایت می‌کند. گنجینه آثار او بدین شرح است: *الادب الدینیة للخرانه المعینیه، اسرار الامامة، اعلام الوری باعلام الهدی، تاج الموالید، جوامع الجامع، الجواهر (جواهر الجمل)، حقائق الامور، عدة السفر و عمدة الحضر، العمده فی اصول الدین و الفرائض النوافل، غنیة العابد و منیة الزاهد، الفائق، الکافی الشافی، کنوز النجاج، مجمع البیان، مشکوة الانوار فی الاخبار، معارج السؤل، المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف، نثر اللآلی، النور المبین و روایت صحیفة الرضا (ع). [19]*

پیشوای مفسران

اندیشه خدمت به قرآن از اوان جوانی در ذهن علامه جای داشت. زندگی‌اش آمیخته با آن کتاب‌الهی بود احیای معارف آن معجزه بی‌بدیل و یگانه و نوشتن تفسیر از آرزوهای اصلی او به شمار می‌رفت. خالق هستی، آن بر آورنده آرزوها، توفیق عرضه آثار جاودان و میراث ماندگار را به او ارزانی داشت و در حالی که سن علامه از شصت تجاوز کرده و موهای سرش به سپیدی گراییده بود سه کتاب تفسیر قرآن را به سبک‌های مختلف به رشته تحریر درآورد. او چنان ابتکاری را در تفسیر قرآن به کار بست که تا قرن حاضر، مفسران دیگر بر آستان تفسیر او اعتکاف کرده، از خرمن بی‌پایانش - که الهام گرفته از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت: بود - استفاده کردند. مناسب است به اختصار به سبک و محتویات هر یک از تفاسیر آن دانشمند فرزانه اشاره نماییم.

الف - «مجمع البیان» سرآمد تفاسیر

«آستین همت بالا زدم و نهایت جد و جهد را به کار بستم و دیدار بیدار داشتم و اندیشه به زحمت افکندم و بسیار تفکر کردم و تفاسیر گوناگون را در پیش رو نهادم و از خداوند سبحان توفیق و تیسیر طلبیدم و نگارش کتابی را آغاز کردم که در نهایت فشرده‌گی و پیراستگی و حسن نظم و ترتیب است و حاوی انواع و اقسام دانش تفسیر است و در و گوهرهایی اعم از علم قرائت، اعراب و لغت، پیچیدگی و مشکلات، معانی و جوانب، نزول و اخبار، قصص و آثار، حدود و احکام و حلال و حرام در بردارد و از خدشه‌هایی که مبطلان آن مطرح کرده‌اند سخن گفته و سخنی را آورده‌ام که تنها اصحاب ما - رضی الله عنهم - متعرض آن شده‌اند و استدلالات بسیاری را در صحت اعتقادات خود اعم از اصول و فروع و معقول و منقول به گونه‌ای معتدل و مختصر و بالاتر از ایجاز و پابین‌تر از تفصیل در بردارد؛ زیرا اندیشه‌های عصر حاضر تاب تحمل سنگینی فراوان ندارد و از تلاش در میداین مسابقات بزرگ ناتوان است زیرا از علما تنها نامی مانده و از علوم تنها رمقی.» [20]

گرایش روحی بر نوشتن تفسیر با ابتکار و سبکی منحصر به فرد که از روزگار جوانی در او جولان داشت و همچنین تشویق یار و دوست نزدیکش، محمد بن یحیی (از سادات آل زبارة و از شخصیت‌های برجسته سبزوار) دو عامل و انگیزه‌های است که مؤلف محترم خود در مقدمه بدان اشاره کرده است. برخی از مورخان با بیان داستانی از طبرسی، انگیزه دیگری را درباب علت نوشتن تفسیر دخیل می‌دانند. آن حکایت از این قرار است:

زمانی سکنه‌ای بر علامه عارض می‌شود و خاندانش به این گمان که او به رحمت ایزدی پیوسته است وی را به خاک می‌سپارند. او پس از مدتی به هوش آمده، خود را درون قبر می‌بیند و هیچ راهی را برای خارج شدن و رهایی از آن نمی‌یابد. در آن حال نذر می‌کند که اگر خداوند او را از درون قبر نجات دهد کتابی را در تفسیر قرآن بنویسد. در همان شب قبرش به دست فردی کفن دزد نبش می‌شود و آن گورکن پس از شکافتن قبر شروع به باز کردن کفنه‌های او می‌کند. در آن هنگام علامه دست او را می‌گیرد! کفن دزد از ترس، تمام بدنش به لرزه می‌افتد، علامه با او سخن می‌گوید، لیکن ترس و وحشت آن مرد بیشتر می‌شود. علامه طبرسی به منظور آرام ساختن او، ماجرای خود را شرح می‌دهد و پس از آن می‌ایستد. کفن دزد نیز آرام شده، با درخواست علامه که قادر به حرکت نبود، او را بر پشت خود می‌نهد و به منزلش می‌رساند. طبرسی نیز به پاس زحمات آن گورکن، کفنه‌های خود را به همراه مقدار بسیاری پول به او هدیه می‌کند. آن مرد نیز با مشاهده این صحنه‌ها و با یاری و کمک علامه توبه کرده، از کردار گذشته‌اش از درگاه خداوند طلب آمرزش می‌کند. طبرسی نیز پس از آن به نذر خود وفا کرده، کتاب مجمع‌البیان را می‌نویسد. [21]

شیخ طبرسی تفسیر خود را در مدت هفت سال و با اقتباس از تفسیر «التبیان» اثر شیخ طوسی، تدوین کرد و هر یک از فنون مختلف قرآنی را به صورت جدا از هم و در قالبی منظم و مرتب بیان نمود. این نظم خاص سبب گردید که دانشمندان شیعه و سنی، آن تفسیر را بر بسیاری از تفاسیر دیگر برتری داده، آن را مورد ستایش قرار دهند. [22]

مجمع‌البیان در ده جلد تدوین و در پنج مجلد چاپ شده است. این کتاب با مقدمه‌ای مفید آغاز شده و موضوعاتی در هفت فن به قرار ذیل در آن مطرح شده است: تعداد آیات قرآن و ثمره آشنایی با آن، ذکر اسامی قراء مشهور قرآن و نظرات آنان، تعریف تفسیر، تأویل و معنی، نامه‌های قرآن و معانی آن، یادی از علوم قرآن و مسائل مربوط به آن و کتابهایی که در مورد آن تألیف شده است، احادیث مشهور پیرامون فضیلت قرآن و اهل آن و بیان آنچه که برای قاری قرآن نیکوست (چون زیبا خواندن الفاظ قرآن).

او در پاره‌ای از موارد به دنبال معنی آیات و به منظور توضیح بیشتر، به مطلبی اشاره و آن موضوع را با عنوان «فصل» مشخص می‌کند. عناوینی چون تقوا، خصوصیت هدایت و هدی، توبه و شرایط آن، اخلاص، نام محمد (ص) و بالاخره چکیده‌ای از پندها و حکمت‌های لقمان حکیم نمونه‌هایی از این فصلها می‌باشد. همچنین احادیث و روایات بسیاری در این تفسیر وجود دارد که تعداد آن بیش از هزار و سیصد حدیث است.

ب - «الکافی الشافی»، گزیده‌ای از الکشاف

علامه طبرسی پس از تألیف مجمع‌البیان - که به تفسیر کبیر شهرت یافت - به تفسیر کشف، اثر جار الله زمخشری برخورد و به دلیل جذابیت و هنر نمایی موجود در آن، به تلخیص آن کتاب اهتمام ورزید. او معانی نو و بدیع و الفاظ نیکویی را که در نوع خود بی‌همتا بود از این تفسیر گلچین کرد و آن را در یک جلد تألیف نمود و نام این تفسیر گزیده و مختصر را «الکافی الشافی» نهاد. [23] این کتاب در آثار برخی از شرح حال نویسان به «الوجیز» تعبیر شده است. [24] چون نسبت به مجمع‌البیان و تفسیر دیگر علامه، موسوم به جوامع‌الجامع دارای حجم کوچکی بوده است.

ج - جوامع‌الجامع، تفسیر وسیط

این کتاب پس از مجمع‌البیان از معروف‌ترین آثار علامه طبرسی است که در مدت یک سال (از ماه صفر 542 تا محرم 543 ق.) و پس از اتمام دو تفسیر گذشته تألیف شده است. [25] در این تفسیر گزیده گویی شیوه مفسر است و او کوشیده تا مطالب مهم و برجسته و لطایف آن دو کتاب را گردآوری کرده، از برخی مطالب آن دو تفسیر کبیر وجیز صرف نظر نماید. همچنین حسن ابتکار و لطف تعبیری که در بیان دقیق آیات و کیفیت توجیه آن به کار رفته و استفاده‌ای که از کشف زمخشری شده، باعث شد که این تفسیر از مجمع‌البیان ممتاز گردد. [26] علامه، جوامع‌الجامع را به دلیل کمی حجم و فزونی فوایدش، وسیط نیز نامیده است.

بیشتر مطالب تفسیر جوامع‌الجامع از کشف زمخشری اقتباس شده است. در پاره‌ای از موارد نیز مطالبی از تفسیر مجمع‌البیان خود را نقل کرده است. این تفسیر در مقایسه با کشف امتیازاتی دارد؛ همچون اختصار و حذف زوائد و مطالب غیر ضروری، نقل روایاتی از طرق شیعه که گاهی با تفسیر صاحب کشف موافق و در بسیاری از مواضع با آن مخالف است و بیان آراء کلامی شیعه امامیه در مواردی که با دیدگاه معتزله موافق نیست یا نظر شخصی طبرسی در تفسیر آیه با نظر زمخشری مخالف است که در این صورت طبرسی از نظر صاحب کشف عدول نموده و آنچه را خود حق می‌دانسته ذکر کرده است. [27]

بر قله فقاہت

علم فقه که فن استخراج و استنباط احکام از مدارک آن چون کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌باشد از جمله دانش‌های دقیقی است که شیخ در آن صاحب‌نظر بود. علمای بزرگ و شرح حال نگاران، از وی به عنوان مجتهد و فقیهی بزرگوار یاد کرده‌اند. [28] طبرسی با عنایت به وجود بیش از پانصد آیه قرآن که بر احکام عبادات و معاملات اشارت دارد به طرح موضوعات فقهی در دو تفسیر کبیر و وسیط خود پرداخته است. او نخست اقوال فریق مختلف اسلامی را بیان کرده، پس از شرح دیدگاه شیعه، نظر خود را به گونه فتوا اظهار می‌کند. بسیاری از فقه‌های بزرگ شیعه نظرات او را مورد اشاره قرار داده‌اند که می‌توان به برخی از عناوین دیدگاه‌های فقهی او اشاره کرد:

کبیره بودن تمام گناهان، [29] معنای شرعی تیمم، مستحب بودن استعاذه در نماز و غیر آن، [30] ارکان و واجبات حج و عمره، [31] حکم صورتی که بین دو بینه در موردی تعارض واقع می‌شود، [32] خمس، قیض در رهن، دین مفلس، حکم دیون در صورت فوت بدهکار، [33] شفعه، حکم ربا، [34] جزیه [35] نگرفتن از صابئین، حکم وقف بر کافر [36] جواز وصیت بر شخص ذمی، صید و ذباحه، رضاع، خلع و مبارات، مراد از خوف شقاق. [37]

آیین وحدت

اختلافات و تنش‌های مذهبی، یکی از معضلات و گرفتاری‌های عصر شیخ طبرسی بود. حاکمیت ترکان سلجوقی در مشرق زمین هرچند تحوّل بزرگ در تمدن اسلامی ایجاد کرد لیکن به موجب جانبداری آنان از مذهبی خاص و تحت فشار قرار دادن مذاهب دیگر - بخصوص شیعه امامیه - سبب شد که فریق اسلامی به جای تکیه بر اصول و بها دادن به اتحاد و ائتلاف، درگیر مناقشات مذهبی شده، بر اختلافات موجود بیفزایند.

شیعه به هنگام حکومت علویان و آل بویه قدرت و عظمتی یافته بود لیکن در عهد غزنویان و در آغاز دولت سلجوقیان، زندگی سیاسی‌شان مدتی در پس ابرهای تیره تعصب پوشیده ماند و افق حیات برای آنان تاریک گشت و بنا به گفته برخی از زمامداران آن عصر، آنان در ردیف گبران و ترسایان، یاری تظاهر به دین و ورود به خدمات عمومی را نداشتند. [38]

با تمام این دشواریها، علمای مذهب تشیع در ایران از مسیر توسعه و کسب تدریجی نیرو باز نایستاده، از کیان و فرهنگ خویش پاسداری کردند. در سال‌های پایانی سلطنت ملک‌شاه، گروهی از شخصیت‌های با نفوذ شیعه در دستگاه حکومتی سلجوقیان راه یافتند و پس از برکناری خواجه نظام‌الملک و واگذاری کرسی وزارت به یک فرد شیعی به نام تاج‌الملک ابوالفضل قمی، پای گروهی از شیعیان چون مجدالملک ابوالفضل قمی به دربار باز گردید. [39]

بحثها و مشاجرات مذهبی فراگیر بین علمای مذاهب در آن دوره در برخی مواقع به ستیز و خونریزی دسته‌های مختلف منتهی می‌گشت. در میان سنیان درباره مذهب حنفی و شافعی، جبر و اختیار یا برتری مذهب اشعری، معتزلی و ؟ و غیره، و بین سنیان و شیعیان در مسائل گوناگون مورد اختلاف، و بین همه آنان با باطنیان، بحث‌های شدید و دامنه داری انجام می‌شد که غالباً با تشکیل مجالس و تألیف کتابها یا به گرفتن اقرار کتبی به ترک عقیده‌ای و قبول عقیده دیگر منجر می‌گردید و گاه با تبعید یا کشتن و نظایر آن پایان می‌یافت.

راستی، در این حال برای ائتلاف و نزدیک ساختن قلوب مسلمانان - که از آرزوهای مصلحان و درد آشنایان به شمار می‌رفت - چه اقدامی شایسته و بایسته می‌بود؟ آیا تسلیم فضای مسموم جامعه شدن و ترویج و تشویق صف بندیها، خدمت تلقی می‌شد یا سکوت و کناره‌گیری از اوضاع و مسائل حاد جامعه بهترین راه به شمار می‌رفت؟ بی شک این دو شیوه فوق، آتش اختلاف را شعله‌ور ساخته بود و برای رهایی از این بحران اقدامی شایسته و شجاعانه - برخلاف راه‌های گذشته - لازم بود.

علامه طبرسی درد را بخوبی احساس کرده بود و در پی رشد و احیای اندیشه وحدت فکری و تفاهم مذهبی و با عنایت به مقتضیات زمان و به منظور کاستن اختلاف‌های موجود، به میدان ائتلاف وارد شد و قرآن مجید را که مورد احترام و قبول همه مذاهب اسلامی بود اساس کار خود قرار داد. آزاد اندیشی، بلندنگری، سعه صدر، عفت قلم و انصاف در پژوهش از خصایص بارزی است که در کتاب «مجمع‌البیان» وی به چشم می‌خورد. او خود را در منبع یا منابع محدودی محصور نساخت، بلکه اندیشه‌های مخالف و موافق را نظاره کرد، ؟ دامن پژوهش و تحقیق را از مرزهای اندیشه خود گذراند و به کاوش دیدگاه دیگران ره سپرد و با نظر یکسان به همه اصناف و فرقه‌ها، آنچه را صحیح و معقول بود می‌پذیرفت و در تقدیم و تأخیر آن غرض خاصی نداشت. علامه همچنین در نقل عقیده و دیدگاه مخالفان تا آنجا که از نظر اصولی به عقیده و مبانی مکتبش خدشه وارد نمی‌نمود، دروغ نمی‌ورزید.

در میان مؤلفان و مصنفان کمتر کسی را چون او می‌توان یافت که کلامش از طعن و اعتراض نسبت به مخالفان طریقه خود خالی باشد. او همچون سلف صالح و به دنبال سیره پیشوایان شیعه امامیه، دفاع از اصول و مبانی شیعه را با حفظ اعتدال، نداشتن تعصب و افراط و پرهیز از غرور درآمیخته بود و خدمتی پراچ را در نزدیک ساختن افکار و

اندیشه‌های مذاهب اسلامی به انجام رساند و نام خود را در میان شیعیان و دانشمندان منصف اهل سنت جاودانه ساخت.

علامه سید محسن امین عاملی در این باره چنین می‌نگارد: «... بزرگی، عظمت، تبحر در علوم و وثاقت او امری است که نیاز به بیان ندارد و مجمع‌البیان بهترین شاهد بر این مدعاست؛ کتابی که انواع علوم را در آن جمع ساخته، نظرات پراکنده در تفسیر را بیان نموده و در هر مقام به احادیث اهل بیت - : - در تفسیر آیات قرآن اشاره کرده است. او دلایل روشن و مورد قبول را با حفظ اعتدال، گزینش نیکو در اقوال، رعایت ادب و حفظ و نگهداری گفتار، در مقابل مخالفان فکری جمع کرده است، به نحوی که در کلامش جمله‌ای که نفرت از خصم را حکایت کرده یا مشتمل بر تقبیح آنها باشد یافت نمی‌شود و این خصیصه و امتیاز در آثار کمتر مؤلف و مصتفی یافت می‌شود. به گفتار او در مقدمه جوامع‌الجامع بنگرید که چگونه به تعظیم و ثنای علم و دانش صاحب‌الکشاف برخاسته است؛ تا بدانید که آن امر، از بزرگی، انصاف و پاکی نفس او می‌باشد.» [40]

شیخ محمود شلتوت، رئیس سابق دانشگاه الازهر، طبرسی و آثارش را چنین معرفی می‌کند: «طبرسی اگر چه به بیان نظرات اختصاصی شیعه در احکام و آراء مورد اختلاف اهتمام می‌ورزد - به نحوی که گاه آثار عواطف مذهبی در آن پیداست - ولی در این عاطفه طریق افراط در پیش نمی‌گیرد و مخالفان خود و مذهب خود را مورد حمله قرار نمی‌دهد. واقعیت آن است که باید به این شیوه تا آنجا که به اصول مذاهب و مسائل ریشه‌ای آن مربوط می‌شود نگاهی آرام و با اغماض داشته باشیم... وی به آنچه داشت و به آنچه از دانش شیخ امت و مرجع بزرگ آن در تفسیر یعنی «امام طوسی» صاحب کتاب «تبیان» گرد آورد، بسنده نکرد؛ تا آنکه به دانش جدید که بدان آگاهی یافت روی آورد و آن دانش صاحب کشف بود که شیخ طبرسی این اطلاعات جدید را با اطلاعات قدیم خود پیوند داد و اختلاف میان او و این کار مانع نشد، چنانکه اموری که از تعصب برمی‌خاست نیز مانع چنین امری نشد و حجاب هم‌عصری میان آنها حایل نشد و حال آنکه هم‌عصری نیز خود نوعی مانع است...» [41]

غروب در شامگاه عرفه

امام مفسران، امین الاسلام طبرسی پس از هفتاد و نه (یا هشتاد) سال زندگی بابرکت و سراسر خدمت به اسلام و مردم، شبانگاه روز نهم ذیحجه سال 548 ق. در شب عید قربان در شهر سبزوار به دیار حق شتافت و جهان اسلام را در عزایش سیه پوش ساخته، در سوگ نشانند. [42] برخی از نویسندگان اسلامی شیخ طبرسی را به عنوان «شهید» یاد کرده‌اند. [43]

وسیله سم به شهادت رسیده است. در مقابل، گروهی نیز با توجه به همزمان بودن رحلت شیخ با فتنه طائفه و غیره [44] به شهادت ایشان به دست این گروه شورشی اشاره کرده‌اند. [45]

پیکر پاک علامه از سبزوار به مشهد مقدس انتقال یافت و در نزدیکی حرم مطهر امام رضا (ع) در محلی به نام قبرستان قتلگاه [46] به خاک سپرده شد. آرامگاه او که در ابتدای خیابان طبرسی واقع شده، از آغاز، محل زیارت مؤمنان بوده است و در سال 1370 به موجب طرح توسعه اطراف حرم، به داخل باغ رضوان انتقال داده شد. [47]

یادگاران

1 - ابونصر، حسن بن فضل بن حسن طبرسی: او در فضایل و کمالات معنوی مرتبه‌ای بلند داشت و محدث قمی از او به عنوان فاضل کامل، فقیه و محدث بزرگ یاد می‌کند. [48] به درخواست او بود که پدر، تفسیر جوامع‌الجامع را تألیف نمود مهمترین اثر به یادگار مانده ابونصر، کتاب «مکارم الاخلاق» می‌باشد. [49]

2 - علی بن فضل طبرسی: از او هیچ گونه اطلاعی به دست نیامده است

[1] طبرسی و مجمع‌البیان، حسین کریمان، ج 1، ص 207.

[2] مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ص 202؛ امل الامل، حر عاملی، ج 2، ص 216.

[3] تاریخ بیهق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، ص 242.

[4] ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی، ج 4، ص 357؛ اعیان الشیعه، محسن امین عاملی، ج 8، ص 398.

[5] رک: تاریخ بیهقی، تعلیقات آقای احمد بهمنیار، ص 353؛ طبرسی و مجمع‌البیان، ج 1، ص 172.

[6] تاریخ بیهقی در سال 565 ق. تألیف شده است.

[7] تاریخ بیهق، ص 242. (شایان ذکر آنکه در سال 565 ه. ق. تألیف شده است.)

[8] البلدان، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، ص 38.

[9] روضات الجنات، میرزا محمد باقر خوانساری، ج 1، ص 64، به نقل از میرزا عبدالله افندی، شاگرد مرحوم مجلسی.

[10] نهایة القلوب، حمدالله مستوفی، ص 68.

[11] تاریخ بیهق، ص 242.

[12] امین‌الدین و امین الاسلام ازلقاب فضل بن حسن طبرسی است.

[13] ریاض العلماء، ج 4، ص 357؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 3، ص 487؛ طبرسی و مجمع‌البیان، ج 1، ص 300؛ مفاخر اسلام، علی دوانی، ج 3، ص 412.

[14] تاریخ بیهق، ص 242؛ بیهقی شعری از طبرسی را در کتاب خویش آورده است.

[15] انباه الرواة، علی بن یوسف قفطی، ج 3، ص 7.

[16] تاریخ بیهق، ص 242 P

[17] همان.

[18] ریاض العلماء، ج 4، ص 341 و 342. مقابسات الانوار، شیخ اسدالله تستری، ص 14؛ روضات الجنات، ج 5، ص 357؛ طبرسی و مجمع‌البیان، ج 1، ص 313.

[19] معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص 315، امل الامل، ج 2، ص 216؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 1، ص 30؛ کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج 2، ص 1602؛ ایضاح المکنون، اسماعی باشابغدادی، ج 2، ص 433، الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، ج 2، ص 41؛ منتهی‌المقال، ابوعلی حائری، ص 241؛ معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، ج 8، ص 66؛ طبقات اعلام‌الشیعه (قرن سادس)، آقا بزرگ تهرانی، ص 217؛ روضات الجنات، ج 5، ص 361؛

[20] مجمع‌البیان، امین الاسلام طبرسی، ج 1، ص 10.

[21] ریاض العلماء، ج 2، ص 358؛ روضات الجنات، ج 5، ص 362؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 487، در ضمن نمونه همین ماجرا به مولا فتح الله کاشانی نویسنده تفسیر منهج‌الصادقین (متوفی 988 ق.) نیز نسبت داده شده است. رک: روضات الجنات، همان.

[22] طبرسی و مجمع‌البیان، ج 2، ص 42، نویسنده در این کتاب صفاتی را به مقایسه این دو تفسیر اختصاص داده است.

[23] جوامع‌الجامع (به تصحیح ابوالقاسم گرگی)؛ امین الاسلام طبرسی، ج 1، ص 2.

- [24] منتهي المقال، ص 24؛ امل الامل، ج 2، ص 216؛ نقد الرجال، سيد مصطفي تفرشي، ص 266.
- [25] الذريعة، ج 5، ص 248؛ المستدرک علي معجم المؤلفين، عمر رضا كحاله، ص 545.
- [26] طبرسي و مجمع البيان، ج 1، ص 280.
- [27] جوامع الجامع (به تصحيح ابوالقاسم گرجي)، مقدمه مصحح، ص 19.
- [28] روضات الجنات، ج 5، ص 357؛ مجالس المؤمنین، ج 1، ص 490.
- [29] مسالك الافهام، شهيد ثاني، ج 2، ص 321؛ الحدائق الناظره، شيخ يوسف بحراني، ج 10، ص 51
- [30] الحدائق الناظره، ج 4، ص 244.
- [31] همان، ج 16، ص 157؛ ج 17، ص 8، 59، 277، 292 و 304.
- [32] جواهر الكلام، محمد حسن نجفي، ج 40، ص 422.
- [33] جواهر الكلام، ج 25، ص 321 و 322.
- [34] الحدايق الناظره، ج 20، ص 164.
- [35] مسالك الافهام، ج 2، ص 226.
- [36] الحدايق الناظره، ج 24، ص 23.
- [37] ضوابط الرضاع، محقق داماد، ص 30؛ شرح لمعه: شهيد ثاني، ج 5، ص 165؛ كتاب النكاح، شيخ انصاري، ص 321 و 339.
- [38] سياستنامه، خواجه نظام الملک طوسي، ص 215.
- [39] تاريخ ادبيات ايران، ذبيح الله صفا، ج 2، ص 186.
- [40] اعيان الشيعه، ج 8، ص 398.
- [41] مچه مشکوة، ش 30، ص 25 - 13، به نقل از مجله رساله الاسلام، ش 3، سال دهم.
- [42] تاريخ بيهق، ص 242؛ ريحانة الادب، ج 21؛ امل الامل، ج 2، ص 216.
- [43] رياض العلماء، ج 4، ص 340، روضات الجنات، ج 5، ص 357.
- [44] طايفه غز مرکب از ترکمانان چادر نشين بودند که در سرزمين بلخ و ناحيه ختلان زندگي مي کردند و در جنگ با سلطان سنجر، سپاهش را منهدم ساختند و سپس قتل و غارت را در تمام شهرهاي خراسان آغاز کردند و ظلم و جور و ريختن خونها را شدت بخشيدند. آتش زدن کتابخانه هاي بسيار، انهدام مساجد و کشته شدن عالمان دين نتيجه اين فتنه بود. (رک: الکامل في التاريخ، ابن اثير، ج 7، ص 99 - 101 راحة الصدور، محمد بن علي بن سليمان راوندي ص 167 - 183).
- [45] مکتب اسلام، ش 10، سال اول، ص 67.
- [46] تاريخ بيهق، ص 242؛ رياض العلماء، ج 4، ص 345؛ قتلگاه را همان محل شهادت امام رضا (ع) دانسته اند. گروهی از نویسندگان، غسلگاه (مکانی که امام رضا (ع) را در آن غسل داده اند) را مدفن طبرسي معرفي کرده اند. البته چون از قدیم قبرستان قتلگاه را غسلگاه می نامیدند و بعد از این در محاورات به قتلگاه تبدیل شده است می توان این امر را دور از حقیقت نزدیک دانست زیرا وسعت باغ حمید بن قحطبه که امام (ع) را در آنجا به شهادت رسانیده